

# به پیش!

سیاسی - خبری

یکشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۸۴، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۵

اتحاد سوسیالیستی کارگری

شماره ۶

هر دو هفته يك بار منتشر میشود

## پایان کنفرانس چهارم اتحاد سوسیالیستی کارگری

می‌باید اهرمی برای تشدید مبارزه برای ایجاد تشکل‌های توده‌ای قرار گیرد. کنفرانس مبارزه برای ایجاد تشکل‌های توده‌ای را همچنان سرلوحه وظایف فعالین سوسیالیست جنبش کارگری دانست. در عین حال کنفرانس بر این نکته تأکید کرد که، با توجه به وضعیت جدید جنبش کارگری، يك شرط اینکه پیشروی کل طبقه کارگر در دوره حاضر به يك جنبش وسیع اجتماعی منجر گردد این است که گرایش چپ جنبش کارگری از نظر سیاسی و استراتژیک خود را بمراتب منسجم‌تر کند، و به این معنادر راه کسب انسجام حزبی پیش رود.

کنفرانس همچنین در بررسی وضعیت جنبش‌های اجتماعی غیرکارگری به تفصیل در مورد جنبش رفع ستم ملی از مردم کرد و جنبش زنان به بحث پرداخت، و بر ضرورت حضور فعال سوسیالیستها در جنبش‌های اجتماعی تأکید کرد، و در وضعیت حاضر مقابله فعال با آلترناتیو امپریالیستی در جنبش‌های اجتماعی، بویژه در جنبش رفع ستم ملی

بقیه در صفحه ۲

چهارمین کنفرانس سازمانی اتحاد سوسیالیستی کارگری در نیمه نخست ماه اوت برگزار شد. پس از شنیدن گزارشی از وضعیت سیاسی، مباحثات کنفرانس عمدتاً بر بررسی سیاستهای امپریالیستی امریکا در منطقه، تحولات سیاسی در ایران، وضعیت جنبش‌های اجتماعی، و موقعیت فعلی جنبش کارگری متمرکز شد.

کنفرانس پیامدهای انتخابات اخیر و تشکیل دولت احمدی نژاد را بر صفتبندی جناح‌های رژیم و بر وضعیت نیروهای اپوزیسیون لیبرال مورد بحث قرار داد، و با توجه به وضعیت تازه مجدداً بر ضرورت مبارزه برای حضور مستقل طبقه کارگر در عرصه مبارزه سیاسی تأکید نمود.

پس از شنیدن گزارشات دقیق‌تر از وضعیت جنبش کارگری، کنفرانس تأکید کرد که در عین اینکه بیشک شاهد پیشروی‌های مهمی در یکسال و نیم گذشته بوده ایم و جنبش کارگری در وضعیت متفاوتی قرار گرفته است، اما هیچک از این پیشروی‌ها هنوز برگشت ناپذیر نیست، و این دستاوردها

برای تقویت تشکلهای توده ای، این اقدام متحدانه مردم زحمتکش در کردستان را نیز میتوان به عنوان نقطه عطفی در این روند نام برد.

از ۲۷ سال پیش تا کنون کردستان بارها شاهد لشکر کشی نظامی و سرکوب سبانه بوده است و در این میان تمام مقامات ریز و درشت حاکمیت درجه ای از وحشیگری در کردستان را بر پیشانی خود حک کرده اند.

جنبش اعتراضی مردم زحمتکش کردستان در جهت رفع ستم ملی و حق شهروندی از همان آغاز روی کار آمدن حکومت اسلامی در ایران همانند جنبش کارگری و سایر اعتراضات اجتماعی در جامعه مثل زنان و آزادیخواهان سرکوب شد. کردستان در دهساله اول حاکمیت اسلامی و به موازات جنگ ایران و عراق با میلیتاریزه شدن منطقه، دستگیری و اعدام گروهی توأم بود.

بقیه در صفحه ۴

## کردستان یکپارچه ظاهر شد!

### شروین رها

صدای اعتراض مردم زحمتکش در شهرمهاباد در جریان شکنجه و به قتل رسانیدن یکی از شهروندانشان توسط رژیم اسلامی به دیگر شهرهای کردستان رسید و سیمایی از همبستگی مبارزاتی در منطقه با اعتراض یکپارچه بر علیه رژیم به نمایش در آمد!

گسیل نیروی نظامی رژیم با تجهیزات به کردستان به منظور سرکوب اعتراضات و به سیاق همیشگی مرعوب کردن مردم نه تنها کارساز نشد بلکه در مقابل به فضایی مبارزاتی تبدیل شد که در آن مردم شهرهای کردستان با اشکال مختلف خود را متشکل کردند، با اعلام خواستهایشان زبانی واحد یافتند، یکپارچه ظاهر شدند و با اعتصاب سراسری در روز یکشنبه ۱۶ مرداد و فراخوان سنجیده کومله، برگی دیگر از تاریخ جنبش انقلابی در کردستان را گشودند. در مسیر انقلاب آتی در سالهای آخیر و به منزله پشتوانه ای

پیش بسوی ایجاد تشکلهای کارگری به نیروی خود کارگران!

# دروود به کردستان دلیر

ایران پیام دهند که با مبارزه یکپارچه و متحد خود می توانند و می باید عمر رژیم جنایت پیشه اسلامی را پایان دهند.

امروز هر انسان آزاده ای، در هر نقطه از ایران، برای رهایی از مردم شهرهای کردستان الهام می گیرد؛ هر کارگر آگاهی خشم مردم کردستان علیه جنایتگری حکومت اسلامی را با تمام وجود خود حس می کند؛ و همه مردم شریف ایران خود را همدرد قربانیان رویدادهای اخیر کردستان می دانند.

## مردم دلیر کردستان!

آرروز دور نیست که مبارزه شما همراه با مبارزه کارگران و زحمتکشان استثمار شده، همراه با مبارزه زنان و دانشجویان آزادیخواه، همراه با فریاد اعتراض هر انسان شرافتمند و حقیقت جویی، سایه شوم این رژیم پاسدار جهل و سرمایه را از سر کردستان و تمام ایران کم کند.

\*\*\*

کمیته اجرایی اتحاد  
سوسیالیستی کارگری

۱۳ مرداد ۱۳۸۴

موج اعتراض مردم کردستان به وحشیگری حکومت اسلامی که در اواخر تیرماه از مهیاد آغاز شده بود در چند روز گذشته از اشنویه تا سقز و از سردشت تا سنندج را فرا گرفته است. انگار کردستان، این نگهبان بهترین سنت های انقلاب مردم ایران، این بار بپاخاسته است تا از جانب تمام مردم آزادیخواه ایران به حاکمان رژیم اسلامی اخطار دهد که توده مردم نه به اصلاح طلبی این رژیم امیدی بسته اند و نه مرعوب برق اسلحه پاسداران و بسیجی ها می شوند. انگار کردستان این بار بپاخاسته است تا به طراحان سیاستهای امریکا در خاورمیانه و مجریان جیره خوارش در منطقه و در میان احزاب اپوزیسیون ایرانی نشان دهد که مردم ایران راه رهایی خود را می شناسند و با اتکاء به نیروی خود نخواهند گذاشت چشم انداز رهایی شان موضوع چانه زنی و ابزار معامله دولتهای بزرگ امپریالیستی با رژیم ارتجاعی اسلامی قرار گیرد. انگار مردم کردستان یکپارچه بپاخاسته اند تا به خواهران و برادران خود در سایر نقاط

بقیه از صفحه ۱

## پایان کنفرانس چهارم

از مردم کرد، را وظیفه ای حیاتی دانست.

در مبحث بررسی گزارش عملکرد سازمانی، کنفرانس جهتگیری تشکیلات در فاصله دو کنفرانس را داور بر تخصیص بیشترین انرژی به پاسخگویی به نیازهای مبارزاتی گرایش سوسیالیستی در جنبش کارگری مورد تأیید قرار داد، و از رفقای مسئول در این عرصه تقدیر کرد. با توجه به مجموعه مباحثات سیاسی و تشکیلاتی، کنفرانس خواست که تشکیلات اتحاد سوسیالیستی کارگری بر مبنای اولویت دادن به پاسخگویی به نیازهای عملی، نظری، تبلیغی و فنی فعالین گرایش سوسیالیستی در دور جدید در داخل کشور تجدید سازمان یابد، و در همین راستا خواهان گسترش تبلیغات سیاسی و ابزارسازی برای فعالیتهای تبلیغاتی شد.

در رابطه با شیوه کار تشکیلات در داخل کشور، کنفرانس مصوبه کنفرانس پیشین در این زمینه را تأیید نمود که شیوه فعالیت تشکیلاتی اتحاد سوسیالیستی در داخل کشور را

بشکل ارتباط متقابل با شبکه های محافل کارگری و مارکسیستی و با هدف دستیابی به وحدت نظر فکری و سیاسی و مبارزاتی میان فعالین جنبش سوسیالیسم کارگری تعیین کرده بود. در رابطه با شیوه کار تشکیلات در خارج کشور، کنفرانس خواهان گسترش عضوگیری در خارج کشور شد و همچنین مقرر کرد که دامنه فعالیت تشکیلات در رابطه با عرصه های مختلف در خارج کشور به انتخاب داوطلبانه خود فعالین خارج کشور سپرده شود.

سپس کنفرانس رنوس اصلی آرایش سازمانی برای دور آینده را تعیین نمود، شورای مرکزی را انتخاب کرد، و تدقیق آرایش تشکیلاتی را به شورای مرکزی منتخب سپرد. کنفرانس با ادای احترام به خاطره رفقای جان باخته به کار خود پایان داد. \*

کمیته اجرایی اتحاد  
سوسیالیستی کارگری

۳۰ اوت ۲۰۰۵

\*\*\*

ما در شماره های آینده به پیش! در رابطه با مباحث مطرح شده در کنفرانس چهارم اتحاد سوسیالیستی کارگری و چشم انداز آتی فعالیت آن با رفیق ایرج آدرین مصاحبه خواهیم داشت.

به پیش!

# به پیش!

Postfach 940166  
60459 Frankfurt  
Germany

[bepish@hotmail.fr](mailto:bepish@hotmail.fr)

به پیش! زیر نظر شورای نویسندگان و ویراستاران منتشر میشود. مسئولیت هر مطلب درج شده بر عهده نویسنده آن است. نظرات جمعی شورا در سرمقاله یا مقالاتی با امضای به پیش! منعکس نمیکردند. شورا در رد یا پذیرش و نیز در کوتاه کردن و ویرایش هر نوشته رسیده آزاد است و تصمیمات خود را به اطلاع فرستنده آن میرساند

# گذاری و گذری

## وریا نظری

کمیته مرکزی کومه‌له در بیانییه ی خود «به مناسبت پیروزی شکوهمند اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد در کردستان» به نکات بسیار مهمی اشاره میکند. در بیانییه از جمله آمده است: "مردم کردستان با بکار بستن درسها و تجارب این حرکت تاریخی این بار در تدارک مبارزه‌ای که پیش رو دارند اسیر اقدامات خود انگیخته و در پیش گرفتن روش و تاکتیکهای تحمیلی از جانب نیروهای دشمن نمیشوند، بلکه در هر قدم از مبارزه خود توازن واقعی نیروهای خودی و دشمن را می‌سنجند و با اهدافی که پیش روی میگذارند راه و روش متناسب با اوضاع سیاسی و شرایط مبارزاتی را در پیش میگیرند و هر کدام دستاوردهای خود را تثبیت میکنند و بدین ترتیب تهور و شجاعتی را که به نیروی خود بدست آورده‌اند با کاردانی و آگاهی به هم میآمیزند و با کمترین تلفات راه خود را بسوی پیروزی هموار میکنند."

به دلایل زیادی میتوان نشان داد که یک توده‌ی غیر متشکل و بی‌رهبر قادر نیست این رهنمودها را عملی کند. امروز جنبش کارگری رادیکال و سوسیالیستی در کردستان و بعضی قسمتهای ایران گامهای امیدوار کننده‌ی به پیش برداشته است. این خود کومه‌له است که میتواند با ایفای نقش بیشتر در این جنبش و با اتکای بدان رهنمودهای بالا را متحقق کند.

\*\*\*

اینکه کردستان عراق در این مقطع زمانی چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد و وضع کنونی تا چه موقعی ادامه پیدا میکند کاملاً بستگی به پیشرویها و پیشرویهای تاکتیکیها و استراتژی آمریکا در خاورمیانه دارد. در حال حاضر اوضاع خوب است. پس از انفالهای دهه ۸۰، آوارگی میلیونی پس از خیزش مارس ۹۱ و کشتارهای فجیع داخلی در سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۶ بین

پارتی و یه‌کیه‌تی، مردم کارگر و زحمتکش کار و نان و سرپناه دارند و داراییان نیز دارند پول پول انبار میکنند. مردم کردستان عراق تا کمر از زیر بار آن مصائب راست کنند و فاصله طبقاتی رو به تعمیق را ببینند از سیاستهای دو حزب حاکم تبعیت میکنند و به این دلیل خود دستگاههای صاحب قدرت نیازی به اعمال خشونت زیادی ندارند. کلاً در این چارچوب سطحی از آزادیهای اجتماعی و سیاسی در کردستان مراعات میشود که مثبت است و هرچه بیشتر تداوم یابد باعث شادی بیشتر است. اما نیروهای حاکم متکی به آمریکا و برای روز مبادا هوای ترکیه و ایران و حتی سوریه را نیز دارند. هرچند مردم این وابستگی و چشم انداز را به خطر بیاندازند همین سطح از آزادیها تعطیل میشود و اسلحه‌ها بکار میآیند. به یک نمونه آن توجه کنیم. کردستان سایت به نقل از پیوک میدیا (وابسته به یه‌کیه‌تی) خبر میدهد که روز ۶ جولای (۱۴ مرداد) حدود ۷۰ نفر (کوردیش میدیا به رقم صدها اشاره میکند) از کردهای ایرانی ساکن سلیمانی در خیابان سالم جمع شدند تا بعنوان پشتیبانی از مردم معترض در کردستان ایران بسوی دفتر سازمان ملل متحد راهپیمایی کنند. آنها شعار میدادند که: "قاتلان باید مجازات شوند"، "دستگیر شدگان باید آزاد شوند"، "مرگ بر جمهوری اسلامی". آنها همین شعارها را بر پلاکاردهای خود نوشته بودند. نیروهای امنیتی (آسایش) و پلیس سلیمانی از حرکت راهپیمایان جلوگیری کردند و وقتی مقاومت آنها را دیدند بر فراز سرشان تیر خالی کردند. یکی از مقامات آسایش در گفتگو با پیوک میدیا جلوگیری از راهپیمایی و تیراندازی را تایید کرده و گفت که راهپیمایان از وزارت کشور حکومت منطقه‌ی اجازه کسب نکرده بودند. یکی از سازماندهندگان راهپیمایی بنام فواد گفت که یک هفته برای کسب اجازه تلاش کردند، اما چون مقامات از صدور آن خودداری کردند در صدد برآمدند تا بعنوان یک حق و بدون کسب مجوز راهپیمایی کنند که با تیراندازی روبرو شدند.

\*\*\*

## اطلاعیه

مامورین جمهوری اسلامی با حمله وحشیانه به منزل برهان دیوانگر، فعال کارگری، در روز ۱۶ مرداد او را دستگیر کرده و تاکنون در زندان و تحت شکنجه نگاه داشته‌اند. ما، این اعمال ضد انسانی را محکوم نموده و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط برهان دیوانگر و سایر دستگیر شدگان حوادث اخیر کردستان هستیم.\*

به پیش!

## دستگیری برهان دیوانگر، نشانه‌ی خشم سرمایه‌از کارگران است!!!

هم طبقه‌ای‌های شریف:

تهاجم سرمایه به لشکر عظیم کارگران در عرصه‌های مختلف همچنان ادامه دارد. سرمایه‌داران به حمله به سطح معیشت کارگران اکتفا نمی‌کنند، سرمایه‌داران خشمگین از تحرکات سال‌های اخیر فعالین کارگری مذبوهانه تلاش می‌کنند، ما را در برابر این تهاجم وحشیانه به سکوت وادارند. بر ماست که از پای ننشینیم و از دوستان کارگرم‌ان در برابر بربریت نظام سرمایه‌داری دفاع کنیم.

ما اعضای شورای تحریریه‌ی نشریه کارگر پیشرو دستگیری برهان دیوانگر را محکوم می‌کنیم و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط او هستیم.\*

شورای تحریریه‌ی کارگر پیشرو

## کردستان یکپارچه ظاهر شد!

بعد از جنگ و به تبع اوضاع جهانی و منطقه ای از سالهای ۹۰ میلادی به بعد جغرافیای سیاسی کردستان نیز دستخوش تغییراتی گردیده است، مضافاً بر این تلاش سیاسی سالهای اخیر جنبش اصلاحات سیاسی در ایجاد تغییراتی در رژیم در انطباق با سرمایه جهانی تحت عنوان جامعه مدنی و توسعه سیاسی و نیز گسترش سرمایه داری در کردستان، وضعیت مبارزه طبقاتی را در فاز دیگری قرار داده است. افزایش کمی پایه مادی گرایش سوسیالیستی و کم رنگ شدن پایه گرایش سنتی ناسیونالیسم در کردستان از مشخصات این فاز جدید است، و حول آن احزاب و سیاستها اشکال دیگری به خود گرفته اند. گرایش شبه لیبرالی اصلاح طلبان به مثابه بخشی از رژیم جمهوری اسلامی و از آنجمله فراکسیون کرد مجلس که نماینده گی شان را در کردستان به عهده دارد، گروه انشعابی از کومه له که افق دموکراسی امریکا در عراق و موقعیت احزاب کرد آنجا را برای کردستان ملاک خود قرار داده است، حزب دموکرات که سرخورده از داشتن موقعیت مذاکره با جمهوری اسلامی هم آواز با سلطنت طلبان پشت طرح

حمله مستقیم نظامی آمریکا به ایران ایستاده است، گروه ناشناخته و مسلح پژاک که آئینه تمام نمای پ ک ک ترکیه در کردستان ایران است، همگی صرفنظر از تفاوت‌های در این یان به طور استراتژیک طیفی راتشکیل میدهند که در مبارزه جاری کردستان با تکیه بر دولت‌ها از بالا و فرای تصمیم گیری مردم، در مقابل حقوق اولیه کارگران و مردم زحمتکش کرد که همانا شکل دادن به سرنوشت خویش با اتکا به نیروی خود است قرار گرفته اند. اعتراضات هفته های اخیر مردم شهرهای کردستان، تشکل یابی، بیان خواستها و اعتصاب سراسری ۱۶ مرداد این نکته را بدرستی نشان داد که هیچ کدام از راه حل‌های این طیف قادر به تامین ابتدایی ترین نیازهای اجتماعی آنها نیست. چپ سوسیالیست میتواند و باید در تقویت گرایش سوسیالیستی کارگری، به مثابه گرایش متکی بر تشکلهای توده ای و کارگری، در کردستان نیز همت بگمارد و مجرب و هوشمندانه ظرفیت مبارزه آن را در نظر گیرد و در تقابل با گرایش طیف نامبرده بالا، مبارزه علیه سرمایه داری و رژیم اسلامی را به پیش ببرد. از این نوع حرکت‌های تاریخی در هر لحظه خلق نمیشود باید قدر آن را شناخت و از آن برای پیشبرد مبارزه در جهت رسیدن به خواستهای انسانی و تاریخی مردم زحمتکش کردستان بهره جست.\*

## دوستان، همراهان

از چند هفته پیش افرادی از طرف بهشت زهرا، شهرداری و دادستانی به گلزار خاوران مراجعه کرده و نظر خانواده‌های اعدام شدگان را در مورد ساماندهی و بازسازی خاوران جویا می شدند.

آنان به عنوان ساماندهی و بازسازی، قصد آن دارند که گلزار خاوران را از شکل کنونی اش خارج کرده و به یک گورستان عادی تبدیل کنند. در حالیکه عزیزان ما پس از اعدام، با لباس های تنشان، در گودال هایی که در این گورستان ایجاد شده بود، به صورت دسته جمعی دفن شده اند.

ما خانواده های اعدام شدگان گلزار خاوران اعلام می داریم که عزیزان ما در گورهای عادی و به روش معمول فوت و دفن نشده اند که بتوان محل دفن آنان را به شکل عادی قطعه بندی کرد، بلکه بسیاری از این عزیزان در گورهای دسته جمعی مدفون شده اند. همچنین اعلام می داریم، در صورت نیاز ساماندهی گلزار خاوران، ابتدا لازم است نام و نشان، چگونگی و زمان اعدام، چگونگی و محل دفن تک تک این عزیزان مشخص گردد، پس از آن خود خانواده های قربانیان، در مورد بازسازی گورستان اقدام خواهند کرد.

امروز (۱۳۸۴/۶/۴) که به گلزار خاوران مراجعه کردیم، با اعلامیه هایی بدون نام بر روی گورها مواجه شدیم. متن کامل آن در زیر خط تایپ شده است. ما خانواده های قربانیان گلزار خاوران قویاً اعلام می داریم که اعلامیه زیر توسط خانواده ها تهیه نشده است. البته نوع نوشتار خود گویای این ادعاست.

توجه

توجه

ما خانواده های قبرستان خاوران به همه هشدار می دهیم که تعدادی آدم های معاند و مخرب قصد دارند جلوی ساماندهی قبرستان را گرفته و نگذارند شهرداری و بهشت زهرا اقدام نماید.

بازتکثیر: کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

۲۱۶۱۱۳۸۴

# کارگر امروز

از سایت کارگر امروز دیدن کنید.

[www.workertoday.com](http://www.workertoday.com)

سردبیر: ایرج آذرین

Editor: Iraj Azarin  
editorbaroo@yahoo.se

هیات تحریریه: احسان کاوه

رضا مقدم، سودابه مهاجر

[www.wsu-iran.org](http://www.wsu-iran.org)

## گزارش سخنرانی محمود صالحی در کارخانه شاهو - سندج

به دنبال طرح خصوصی سازی در ایران و در پی بیکارسازی های مکرر کارگران توسط ارگان های دست اندر، کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی شاهو در سندج نیز آماج اخراج قرار گرفتند. در نتیجه این اخراج شمار کارگران شاهو به ۱۴۰ نفر رسید که شامل ۲۸ نفر کارگر اخراجی نیز، که چندی پیش با رأی هیئت حل اختلاف به سرکار باز گشتند، می شود. این کارگران سه دسته اند: دسته اول، کارگران دائم هر کدام با سابقه ۲۰ الی ۲۵ سال هستند. این کارگران در حال حاضر ۶ ماه است که هیچ گونه حقوقی دریافت نکرده اند. دسته دوم کارگران قراردادی هستند که ۸ ماه است حقوق نگرفته اند. دسته سوم، همان کارگرانی هستند که یک ماه است با رأی اداره کار به سرکار بازگشته اند و آنان نیز ۸ ماه است که هیچ حقوقی دریافت نکرده اند. کارخانه در حال حاضر تعطیل است و کارگران هر روز به آن جا می روند و بدون این که کاری انجام دهند بعد از ظهر با ناامیدی به خانه های خود برمی گردند. این بلاتکلیفی باعث شده که کارگران هر روز دست به اعتراض بزنند. اما هیچ ارگان و نهادی به اعتراض های آنان جواب نمی دهد. اداره کار که خود مسبب تمام بدبختی ها و اخراج کارگران است گویی یک کیلو پنبه در گوش های خود فرو کرده و صدای کارگران را نمی شنود. کارگران پس از مکاتبات و نامه نگاری به تمام ارگانهای دولتی ذیربط و بعد

از این که از طرف این ارگانها هیچ جواب مثبتی نمی شنوند، به ناچار جلو استانداری استان تجمع می کنند. نماینده استانداری در حضور کارگران اعلام می کند که ما نمی توانیم برای شما کاری کنیم و آنان را به شورای اسلامی شهر سندج ارجاع می دهد تا برای کارگران وسیله تهیه کند و آنان به تهران مراجعه کنند. شورای اسلامی کار هم خیلی فریب کارانه مبلغ ۲۵۰۰۰۰ تومان به کارگران پرداخت می کند تا با آن وسیله تهیه و به تهران مراجعه کنند. از سوی دیگر، قرار است یک نفر سرمایه دار کارخانه را بخرد و شروع به کار کند. این خبر یا شایعه ای است که داخل کارخانه دهان به دهان می شود و کارگران مدام در باره آن صحبت می کنند.

محمود صالحی، سخنگوی کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری، روز دوشنبه ۷/۶/۸۴ ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه صبح وارد جمع کارگران معترض در داخل کارخانه می شود. کارگران با مشاهده محمود صالحی همگی با خوشحالی وی را در آغوش می گیرند، و پس از احوال پرسی از او می خواهند برایشان سخن بگویند و آنان را در این شرایط بحرانی راهنمایی کند. در این جا شمه ای از سخنان محمود صالحی را جهت اطلاع عموم می آوریم.

" کارگران! دوستان عزیز! من امروز خوشحالم که خود را در جمع شما کارگرانی می بینم که هرکدام با پیشینه ای از کار در این کارخانه جوانی

خود را از دست داده اید. من نامه اعتراضی شما را که توسط نماینده تان قرانت شد، گوش کردم. دوستان! می خواهم به چند نکته اشاره کنم که به آگاهی ما کمک می کند. در هر جامعه ای این کارگران هستند که تمام نعمت های آن جامعه را تولید می کنند و سود دسترنج خود را برای سرمایه داران و دولت آن ها تبدیل به کاخ ها و امکانات می کنند. اما هر زمان که اعلام می کنند ما با این مبلغ حقوق نمی توانیم زندگی خود و خانواده را اداره کنیم، بلافاصله سر و کله نیروی انتظامی پیدا می شود و آنان را به جرم اغتشاش و ضدیت با امنیت ملی بازداشت و محاکمه می کنند. این در حالی است که من و تو تا یک ساعت پیش از آن پشت دستگاه های آنان برایشان سود تولید می کردیم. چه شد که من و تو یک ساعته اغتشاشگر و ضد امنیت ملی شدیم؟ این سنوالی است که من و تو باید به آن جواب دهیم: برای این که ما گفته ایم سود دسترنج ما کجاست و این سود چه طور هزینه می شود.

دوستان! نظام سرمایه داری خوب می داند که من کارگر با مبلغ دستمزدی که برای تعیین کرده اند تنها می توانم خود را از گرسنگی و مرگ نجات دهم و برای فردا جان تازه ای بگیرم تا برای این نظام سود اضافه تولید کنم. پس، نوشتن نامه به ارگان های دولتی هیچ دردی را از من و تو درمان نمی کند. سرمایه داران و دولتیان هم خود فرزند دارند که مدرسه، دانشگاه و مسافرت می روند و هم خانه های خود را اجاره داده اند و خوب می دانند اجاره یک خانه مسکونی چند است، و نیز می دانند که چند روز دیگر

مدارس بازگشائی می شود. دوستان! توهم داشتن به این نامه ها تنها ما را از مبارزه برای گرفتن دستمزدهایمان باز می دارد. ما باید به نیروی خود ایمان داشته باشیم. جز نیروی خود هیچ شخص و هیچ نهاد دولتی نمی تواند ما را از این فلاکت نجات دهد. ما اگر به مبارزات کارگران در سراسر جهان توجه کنیم می بینیم که کارگران در هر کجا که خود همت کرده اند پیروز شده اند. من یکی از اعضای کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری هستم که چند ماه است اعلام موجودیت کرده است. این کمیته اعتقاد دارد که کارگران باید به نیروی خود و بدون اجازه از کسی تشکل های خود را ایجاد کنند. پس، دوستان من! اگر می خواهید در مبارزه پیروز شوید باید تشکل خود را ایجاد کنید و یا نمایندگان خود را انتخاب و از آنان در برابر هر گونه عواقبی حمایت کنید. ایجاد تشکل یعنی اتحاد بین کلیه کارگران یک کارخانه و بعد یک کشور... من این جا به شما پیشنهاد می کنم که در داخل کارخانه بمانید و درخواست کنید که دستمزدهای معوقه را پرداخت کنند و یا کنترل کارخانه را خود در دست بگیرید. من به شما اطمینان می دهم که توانائی این کار را دارید. برای اداره کارخانه فوراً یک شورا تشکیل دهید. این عملی است که کارگران در هر کارخانه ای آن را انجام داده اند، موفق شده اند. کارگران! نبض جامعه در دست ماست. کارگران پالایشگاه با بستن شیرهای نفت در سال 57 گلوی نظام سرمایه داری و جنایتکار شاهنشاهی را فشردند و آن را از قدرت خلع کردند.

## خفت تروریسم متولد می کند

جان پیلجر

مقدمه مترجم

جان پیلجر در این نوشته نیز که سوندی آن در روزنامه آفتون بلادت یکشنبه ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۵ منتشر شده است و شما در زیر ترجمه فارسی آنرا می خوانید، مانند اکثر مقالات و گزارشات گذشته خود کوشش می کند که از سطح مسائل عبور کرده و به ریشه رشد تروریسم در عصر حاضر بپردازد. او پس از اشاره به یکسری از دلایل تاریخی و خفتی که مردم خاورمیانه در این قرن از سوی دولت های بزرگ سرمایه داری و امپریالیستی غرب و بخصوص از طرف دولتهای انگلیس و آمریکا کشیده اند، و جنگ بر علیه مردم افغانستان و عراق و اشغال این کشورها بعنوان محرکه و ماده اصلی اشتعال بمب گذاریهای اخیر در مادرید و لندن، در نتیجه گیریش از دلایل رشد تروریسم لجام گسیخته گروههای اسلامی چنین می نویسد: "دلایل رشد تروریسم امروزه نه مذهب و نه نفرت از "استیل زندگی ما" بلکه سیاسی است، و راه حل سیاسی لازم دارد. دلایل و زمینه رشد این تروریسم بی عدالتی و دو روئی است. این ها، همچون گناه رهبران ما و "دوربین هایی که به طرف های دیگر برمی گردند"، خود هسته اصلی این اوضاع هستند". این تروریسم لجام گسیخته خود یکی از کثیف ترین نمادهای جنبشهای ارتجاعی است که در این ۱۵ ساله اخیر چهره ضد انسانی خود را بیش از پیش به جهانیان نشان داده اند؛ اما دلایل

اصلی و زمینه رشد این جنبشها در عملکرد سیاسی و اقتصادی نظام جهانی سرمایه داری معاصر است، و این جنبشها خود بعنوان نوعی اعتراض ارتجاعی بر علیه عوارض آن قد علم کرده اند. ولی اینکه این جنبشهای ارتجاعی توانسته اند اجتماعی شده و اقشار ناراضی و به حق شورشگر بر علیه استثمار و ستم سرمایه داری را به طرف خود جلب کنند در غیاب یک جنبش نیرومند سوسیالیستی کارگری است؛ چرا که پی آمدهای اجتماعی و سیاسی رشد سرمایه داری و جهان گستری آن برای این اقشار اجتماعی می تواند زمینه جلب آنها به یک جنبش سوسیالیستی کارگری باشد که تنها پیشروی آن این اقشار را از ثمرات مادی و معنوی رشد اقتصادی و اجتماعی بهره مند میکند.\*

حمید قربانی

۲۸ آگوست ۲۰۰۵

\*\*\*

جان پیلجر در مورد آنچه که اکنون در لندن می بیند و آنچه که او در همه سال هایی که بعنوان گزارشگر در خاورمیانه دیده است، می نویسد.

این آخرین حملات بمب گذاری در لندن یک حقیقت اساسی را روشن کرد که سال ها تلاش و مبارزه لازم بود تا شنیده شود. با پوزش خواهی فتوا داده بودند که در این مورد خیلی به ندرت صحبت شود. خیلی به ندرت اتفاق می افتد که یک شهروند عادی سکوتش را بشکند، ولی در این اواخر این قاعده بهم خورده است. مثلاً یک لندنی

معمولی در برابر دوربین های یک تیم از فیلم برداران و گزارشگری از سی ان ان (CNN) سکوتش را شکست. آنها مشغول گزارش تهیه کردن از ابتذال های معمولی بودند. این فرد عادی لندنی در جواب این که بمب ها از کجا آمده بودند، چنین می گوید: "عراق"، "ما، عراق را به انگلیس وارد کردیم و چه انتظار دیگری می توانستیم داشته باشیم؟ این را به روشنی بگو."

در روزهای اخیر گزارشی از جات هام، محل تراشکاری فکر" که از جانب دستگاه های رسمی بریتانیا به خوبی مراقبت می شود، منتشر شده است. اهم این گزارش بر روی این نکته متمرکز شده که "بدون هیچگونه شک و شبهه ای" اشغال عراق از همه لحاظ برای القاعده مفید بوده است. این اشغال در موارد زیر به یاری شبکه القاعده شتافته است: "تبلیغات، تهیه داوطلب و پول"، باضافه این حمله و اشغال، مرکز و محلی برای جمع شدن، تمرین کردن و آموزش تروریستها را فراهم آورده است. "این همکاری صمیمانه با یک متحد قدرتمند" تا کنون به بهای زندگی عراقیها، آمریکاییها و بریتانیایی ها تمام شده است.

تمام فهم و شعور قدرتمدارانه بلرجه او این درک را داده است که طوطی وار بگوید و تکرار کند که تروریسم قبل از حمله و اشغال عراق وجود داشته است. او به حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر اشاره می کند. برای کسی که از تاریخ پرازرنج و درد خاورمیانه آگاهی داشته باشد حملات ۱۱ سپتامبر، مادرید و

لندن تعجب انگیز نیستند، فقط اگر تعجبی در کار باشد این است که چرا این فجایع زودتر رخ ندادند. من که به مدت ۳۵ سال از خاورمیانه گزارش تهیه کرده و به عنوان گزارشگر در آن جا بوده و کار کرده ام، اگر که بخواهم با یک کلمه احساس میلیونها عرب و مسلمان این منطقه را بیان کنم، باید بگویم "تحقیر شده". هنگامی که در سال ۱۹۷۳ به نظر می رسید که مصر دارد پیروز می شود و بار سنگین تحقیر و شکست را به دور می اندازد و سرزمینی را که در جنگ با اسرائیل از دست داده بود، دوباره بدست می آورد، من در میان سیل مردم جشن گرفته قاهره چنین احساس می کردم که خفت و تحقیر تاریخی مصر دارد رخت بر می بندد. مردی با بیان فرموله شده مصری به من گفت "زمانی، ما در جستجوی توپ سعی کریکت در کلبهای انگلیسی بودیم. حالا ما آزاد هستیم."

طبیعتاً آنها آزاد نشدند. آمریکایی ها سلاحهای تازه برای ارتش اسرائیل گسیل داشتند و مصر تقریباً همه چیز را دوباره از دست داد. در فلسطین مردم اشغال شده در حقارت و ذلت زیر سیاست اسرائیل به سر می برند. چقدر از نوزادان فلسطینی به علت راه بندانهای اسرائیل مرده اند زیرا که مادرانشان خون ریزان، ناله کنان و اشک ریزان از درد زودرس زایمان، مجبور شدند آنها را در آن سوی راه بندانهای نظامی اسرائیل سقط کنند در حالیکه از دور روشنی چراغهای بیمارستانها را با آه و درد نظاره گر بودند. چقدر از پیرمردان فلسطینی مجبور به احترام گذاشتن به

بقیه در صفحه ۷

## خفت تروریسم متولد می کند

سربازان تفنگ به دست و تهدید گر اسرائیلی شد ه اند. چقدر و چند خانه با اهل خانه بوسیله اف ۱۶ های ساخته شده در آمریکا و با وسائل تکمیلی ساخت بریتانیای بزرگ منفجر شده اند؟

یک خبرنگار بی بی سی می گوید هر چقدر هم که عملیات بمب گذاری لندن تکان دهنده باشد " روشن و واضح است که این اولین عملیات بمب گذاری انتحاری انگلیس است. " در عراق چی؟ قبل از این که بوش و بلر عراق را اشغال کنند هیچ گونه عملیات بمب گذاری انتحاری در کشور به وقوع نه پیوسته بود. در فلسطین چی؟ در آن جا هم قبل از این که آریل شارون به قدرت برسد از عملیات انتحاری خبری نبود. در جنگ ۱۹۹۱ در خلیج فارس بیشتر از ۲۰۰ هزار عراقی کشته و زخمی شدند، و بر طبق گزارشات سازمان ملل متحد ویرانی و خرابی زیر ساخت های عراق یک "وضعیت نا بسامان عجیبی" به وجود آورد، آن پایکوت اقتصادی در پی جنگ، که از جانب فناتیک های واشنگتون و وایت حال تدوین و مورد پشتیبانی قرار گرفت، درست مانند یک محاصره و احاطه قرون وسطانی بود. دنیس هالیدی، آن کسی که از طرف سازمان ملل متحد مسئولیت برنامه کاملاً ناکافی تحویل مواد غذا و دارو در برابر نفت را داشت، این محاصره را یک " قتل عام توده ای" نامیده است.

من شاهد نتایج تحریم اقتصادی بودم: قسمت های بزرگی از جنوب عراق بوسیله اورانیوم ناقص و بمب های خوشه ای که هنوز منفجر نشده بودند آلوده شده بود. من کودکان در حال مرگ را دیده ام، تعدادی از آن ۵۰۰ هزار کودکی که برطبق گزارش یونیسف بر اثر تحریم اقتصادی کشته شدند را شاهد بودم. در غرب تقریباً این ها را گزارش نکردند. در تمام این مناطق انسان تلخی و بیزاری خاصی را می تواند حس کند. و این تلخی خود را به جوانان مسلمانی که در بریتانیا هم زندگی می کنند سرایت داده است.

در انتقام کشته شدن ۳ هزار نفر در برجهای مرکز تجارت جهانی در نیویورک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تعداد ۲۰ هزار افغانی به توسط اتحاد آنگلوآمریکایی به قتل رسیدند. حمله به عراق بمثابة چاشنی بمب بود؛ این حمله، عملیات تروریستی مادرید و لندن را کاملاً به عنوان انتقام قابل پیش بینی کرده بود. بر طبق بیانیه گروهی از تروریستهای اسلامی که خود را القاعده اروپا می نامند، این آخری جوابی بود " به قتل عامی که در عراق و افغانستان به توسط بریتانیا انجام گرفته است". بدون در نظر گرفتن این که این بیانیه واقعی هست یا نه دلیل این عملیات تروریستی این بود. بوش و بلر مایل بودند که "یک جنگ بر علیه تروریسم" راه اندازند. آنها آنچه را که کاشته بودند درو کردند.

چیزی که از بحثهای عمومی می شود استخراج نمود این است که در مقایسه با تروریسم دولتی بوش و بلر، قربانیان تروریسم القاعده رقم

خیلی اندکی را نشان می دهد. بیشتر از ۱۰۰ هزار از مردان، زنان و کودکان عراقی کشته شده اند؛ این کشته ها نه بر اثر بمب گذاریهای انتحاری بلکه بر اثر حملات "نیروهای متحده" آنگلو آمریکایی به قتل رسید ه اند. این را یک مطالعه سیتما تیک که در نشریه لانتت منتشر شده است می گوید که بیشترین این ها نادیده گرفته شده و تا کنون در روزنامه ها و اخبار رادیو و تلویزیونها از آنها نامی برده نشده بود.

این افاضه که " روح اسلام به کدام طرف در راه است" به مفهوم ایجاد یک آشفتگی است. (هر چند روح اسلام در تاریخ همیشه به سوی کشتن و کشته شدن در راه الله در جریان بوده است- مترجم فارسی). دلایل تروریسم امروزه نه مذهب و نه نفرت از "استیل زندگی ما" بلکه سیاسی است، و راه حل سیاسی لازم دارد. دلایل و زمینه رشد این تروریسم بی عدالتی و دورویی است. این ها، همچون گناه رهبران ما و " دوربین هایی که به طرف های دیگر برمی گردند"، خود هسته اصلی این اوضاع هستند.

بلراز حملات تروریستی لندن سوء استفاده می کند تا باز هم بیشتر از قبل حقوق دیگر ما را پایمال و توخالی کند، همچنانکه بوش در آمریکا این کار را بانجام رسانده است. هدف آنها بهیچ وجه امنیت نیست، بلکه کنترل بیشتر است. خاطره قربانیان آنها در عراق، افغانستان، فلسطین و جاهای دیگر ایجاب می کند که خشم و غضب ما از نو بیدار شود. نیروهای نظامی باید به خانه برگردند. این است دین ما نسبت به کسانی که در ۷ ژوئیه در

## به پیش!

لندن به قتل رسیده یا زخمی شدند، و ما در برابر زندگی هایی هم که با ادامه این دیوانگی و بازی تقلبی به هدر می روند، مسئولیم.\*

منتشر شده در *آفتون بلاد*  
۲۴/۷/۲۰۰۵

ترجمه به سوئدی: تور وئر  
برگ

برگردان به فارسی

حمید قربانی

۲۷/۷/۲۰۰۵

\*\*\*

بقیه از صفحه ۵

## گزارش سخنانی محمود صالحی در کارخانه شاهو- سندج

نباید فقط به فکر امروز خود باشیم. ما باید به فکر فردای بچه هایمان نیز باشیم. اگر هم ما امروز کشته شویم چیزی را از دست نداده ایم تا برای آن نگران باشیم. چز زنجیرهای دست و پایمان."

سخنان محمود صالحی، که ۱۱۵ ساعت طول کشید، در میان ابراز احساسات پرشور کارگران پایان یافت. پس از سخنرانی، نیم ساعت هم به پرسش و پاسخ گذشت که موضوع مهم آن تشکیل صندوق مالی برای کارگران بود.\*

کمیته هماهنگی برای  
ایجاد تشکل کارگری

۱۳۸۴/۶/۸

## گزارشی خواندنی از مذاکره کارگران شاهو با مسئولین دولتی در سندج

### مهران جلالی از سندج

دیروز نشست کارگران شاهو با مسئولین دولتی برگزار شد.

دیروز شنبه ۲۹ مرداد هیئتی مرکب از جمشیدی معاون استاندار، حسامی مسئول صنایع، صادقی مسئول ارداه کار، صدیق آزادی از طرف کارفرما، نمایندگان از طرف اطلاعات و حراست، یک نفر از نیرو انتظامی و از طرف کارگران ابراهیم رحمانی، رمضان حبیبی، علی نیلی، علی ملکی، نظام خادمی، حسام نعمتی و ناصر عزیزی نشست برگزار شد و نمایندگان کارگران با نمایندگان دولت و کارفرما به مذاکره پرداختند.

در این مذاکرات ابتدا جمشیدی صحبت کرد و از کارگران خواهش نمود که به تهران نروند و به این اعتراضات پایان دهند. مسئولین دولتی هر کدام با تاکید بر سر اینکه ما به شما قول می دهیم که خواستههای شما را متحقق شود سخن گفتند.

یکی از نمایندگان کارگران اعلام کرد که این مدت فقط شما وعده به ما

دادید و به هیچ کدام از اینها عمل نکردید و ما این وعده ها را باور نخواهیم کرد.

کارگران به مسئولین گفتند: تا روز ۵ شنبه آینده اگر حقوقهای معوقه ما پرداخت نشود ما به تهران خواهیم رفت و در مقابل مجلس و وزارت کار و دفتر رهبری اعتصاب خواهیم کرد.

یکی از کارگران اعلام کرد: اگر روز ۵ شنبه حق ما را ندهید ما به تهران خواهیم رفت و همانجا خواهیم ماند تا جواب خود را بگیریم. در ادامه گفت مطبوعات دنیا دارد در مورد ما صحبت می کند و اینکه چگونه حق ما را پایمال کرده اید. ما از حمایت جهانی برخوردار هستیم و اعلام خواهیم کرد که این حمایتها باید بیشتر شود و حتی می گوئیم بیایند و از نزدیک زندگی ما کرگران را گزارش کنند.

جمشیدی با شنیدن موضع سخت و صریح کارگران به خواهش تمنا افتاده و گفت: برداران کارگر، من به شما قول می دهم که شما به حقتان خواهید رسید.

یکی دیگر از کارگران می گوید شما آقایان پولها را بالا کشیدید و صدیق آزادی

را مثال زد و گفت همین آقا را نگاه کنید، مگر شما چند سال پیش چه داشتید، حق و حقوق ما را ندادید و به ما ظلم کردید و حالا ویلاهای در بالا شهر تهران خریده اید. اگر اینطور نیست بگو دروغ می گویم تا من نشانی ویلایت را هم بدهم، تا نشانی خیلی از اموالی که روی هم انبار کرده اید و آینده خودت و ۷ پشتت را تضمین کرده ای را بگویم. این پولها فقط از دهن من و کارگران امسال من گرفته شده است. شما خون ما را می مکید و حالا که مردم دنیا به حمایت از ما آمده است، می خواهید سر ما کلاه بگذارید، ما به شما باور نداریم و....

در پایان این جلسه مسئولین دولتی تصمیم گرفتند که همین دوشنبه صدیق آزادی و چند نفر از نمایندگان کارگران به تهران بروند که تا ۵ شنبه همه کارها را ردیف کنند.

و بر همین مبنا قرار است فردا صدیق آزادی از طرف مدیریت کارخانه، ابراهیم رحمانی، نظام خادمی برای حل مسله حقوق کارگران و روشن کردن وضعیت کارگران و حقوق و خواستههای آنها عازم تهران شوند.\*

## مرگ ۲۴ کارگر به علت حوادث مختلف محل کار طی یک هفته گذشته در شهرهای ایران

به نقل از سایت پیام

در جریان حوادث مختلف محل کار طی ۱ هفته گذشته در شهرهای مختلف ایران ۲۴ کارگر جانشان را از دست داده اند.

در این حوادث که بیشترین آنها در بخش ساختمانی روی داده، در شهرهای تهران ۵، قزوین ۳، یزد ۲، بجنورد ۲، و شهرهای قم، آذر شهر، قزوین، شیراز، سمنان، کرمانشاه، ایلام، شهر ری، مرند، بندر عباس و ملایر هر کدام ۱ کارگر جانشان را از دست داده اند.

در همین مدت نیز ۶ کارگر در شهرهای تهران، برخوردار و میمه اصفهان، قزوین و سمنان زخمی شدند.

حوادث محل کار جرم جنایی کارفرمایانی است که از تامین امکانات ایمنی محل کار خودداری می کنند و باید به همین جرم محاکمه و مجازات گردند.\*

“خانه کارگر” و “شوراهای اسلامی” منحل باید گردند!



## گرامی باد یاد تمامی زندانیان سیاسی بخون خفته ، جانباختگان کمونیست و آزادیخواه

و آرزوهای عدالتخواهانه شان  
به  
وهست. سیاهچال، حبس، زندان  
، گیوتین ، طناب دار و تیرباران  
در مقابل ابزار شکستن این  
مقاومتها بوده اند. اگرچه  
امروزه در اروپا استفاده از این  
ابزارها توسط دولت‌ها در اثر  
دهها سال مبارزات اجتماعی  
محدود شده است، اما در  
کشورهایی در زمره ایران  
هنوز روش رایج دولتهاست.  
فقط با مبارزات اجتماعی و  
متشکل از پایین میتوان و  
باید آنها را به عقب نشینی  
و اداری کردن. نه تنها حق آزادی  
بی قید و شرط سیاسی بلکه  
برچیدن زندانها فقط به  
مبارزات اجتماعی و سیر  
پیشروی آن گره خورده است  
و در این میان نقطه اتکای آن  
وجود تشکلهای سراسری  
کارگران در هدایت مبارزات  
زنان ، دانشجویان و جنبش  
انقلابی کردستان در جهت  
سرنگونی رژیم اسلامی و  
برچیدن نظام سرمایه داری در  
ایران است .

نه پشت بستن به جنبش  
اصلاح طلبی، تغییر قانون  
اساسی و رفرا ندیم، و نه توهم  
به دموکراسی نظامی آمریکا  
هیچ کدام راه حل نیست . تنها  
راه ، اتکا به مبارزات کارگران  
و زحمتکشان در تشکلهای  
توده ای خویش به منظور  
کسب حد اقلی از آزادی و  
رفاه در جامعه است.

يك بار دیگر ۱۰ شهریور  
، سالروز کشتار زندانیان  
سیاسی ۱۳۶۷ در ایران را  
بباید میاوریم و یاد آنها را با  
مبارزه در جهت تحقق اهداف  
انسانی که این عزیزان برایش  
به خاک افتادند گرامی  
میداریم! \*

فعالین اتحاد سوسیالیستی  
کارگری - آلمان  
شهریور ۱۳۸۴

رقیبان خودی نیز شدت یافت.

در زمینه جنبش کارگری با  
وجود سالها فشار، تبعید،  
دستگیری و اعدام فعالین ، با  
وجود اخراج و تحمیل  
قراردادهای موقت ، نپرداختن  
دستمزدهای چندرغاز، به  
گلوله بستن اعتراضات  
و راهپیمایی جهت احقاق  
حقوق اولیه و به خاک افتادن  
و جانباختن کارگرانی همچون  
کارگران معدن خاتون آبادما،  
جنبش کارگری از حرکت باز  
نماند و در فضای چند سال  
اخیر خصوصاً در قیامت  
خواستها و مطالباتش و از آن  
میان برای ایجاد تشکلهای  
خویش قدمهایی برداشت.

با سرکار آمدن جناح راست  
افراطی و نظامی متکی بر  
بسیج و سپاه پاسداران  
در گرفتن سکان ارگانهای  
دولتی و از جمله ریاست  
جمهوری احمدی نژاد، قدر  
مسلم در کوتاه مدت عرصه پر  
مبارزات کارگران و مردم  
زحمتکش ، اعتراضات زنان و  
دانشجویان تنگ تر خواهد  
شد. در این میان از فعالین  
حرکتهای اعتراضی آرایش  
مقتضی با آن را میطلبید که  
سنجیده و آگاهانه قبل از هر  
چیز اتکا بر تشکلهای توده  
های زحمتکش در مبارزه رآمد  
نظر قرار دهد. نمونه این چنین  
حرکاتی را میتوان از مبارزات  
اخیر مردم زحمتکش کردستان  
در یکپارچگی و حرکت  
اعتصابی به موقع ۱۶  
مرداد گرفت.

تاریخ مبارزه طبقاتی،  
تاریخ اشکال متفاوتی از  
مبارزه و مقاومت اجتماعی  
انسانها در جهت تحقق آمال

خارج و داخل کشور و ...  
نمونه های برجسته عملکرد  
دهساله اول حکومت اسلامی  
سرمایه را تشکیل  
میدهد. کشتار جمعی زندانیان  
سیاسی در تابستان ۶۷  
همزمان با ختم جنگ با عراق  
نقطه اوج این دوره از  
عملکرد رژیم است .

همزمان با فروپاشی  
اردوگاه شرق و پایان جهان  
دو قطبی در سیاستهای  
جهانی و به منظور رفع  
بحران سرمایه، سیاستهای  
خصوصی سازی و  
بیکار سازی از دوران ریاست  
جمهوری رفسنجانی در ایران  
شروع شد و در دوران خاتمی  
تحت عنوان توسعه سازی  
و ایجاد جامعه مدنی و بر بستر  
جنبش اصلاحات سیاسی در  
نهادهای اداری، قضایی، فرهنگ  
ی جهت ادغام ایران در تقسیم  
کار جهان سرمایه داری و در  
انطباق با سیاستهای  
نئولیبرالیستی شکل گرفت. در  
چنین فضایی جنبشهای  
اعتراضی در ایران بر علیه  
رژیم جمهوری اسلامی نیز  
اشکال دیگری به خود گرفت و  
در این میان بورژوازی با  
قرانت دیگری از اسلام و به  
شکل دیگری وارد عرصه  
مبارزه طبقاتی گردید، به  
عبارتی فضای سیاسی جامعه  
از طرفی تابعی از مبارزات  
اجتماعی کارگران و مردم  
زحمتکش، زنان و دانشجویان  
آزادیخواه بر علیه رژیم  
اسلامی و از طرف دیگر حول  
رقابتهای درونی صفوف  
بورژوازی شکل گرفت . نه  
تنها اعدام و ترور، از جمله  
قتل نویسنده گان معروف به  
قتلهای زنجیره ای، ادامه پیدا  
کرد بلکه حذف و فشار بر

به مناسبت سالگرد کشتار  
جمعی زندانیان سیاسی در  
شهریور ۱۳۶۷

۱۰ شهریور از راه رسید،  
در این روز در ایران یاد تمامی  
زندانان سیاسی به خون  
خفته و جانباختگان راه آزادی  
گرامی داشته میشود. هفده  
سال پیش در چنین روزی  
نقطه اوج کشتار دسته جمعی  
زندانان سیاسی توسط رژیم  
جمهوری اسلامی بود. رژیمی  
که بلافاصله پس از انقلاب  
سرکوب، کشتار، زندانی کردن  
و اعدام انقلابیون کمونیست و  
آزادیخواه را آغاز کرد تا نظام  
سرمایه داری ایران را که با  
سرنگونی رژیم سلطنتی شاه  
ضربه خورده بود از مهلکه  
بدر برد.

در دهه شصت ما  
شاهد مقابله رژیم جمهوری  
اسلامی با ادامه تحولاتی  
هستیم که منجر به سرنگونی  
رژیم شاه گردید. انحلال  
شوراهای کارگری، سرکوب  
تمامی حرکات سیاسی  
و تشکلهای موجود در جامعه،  
بستن دانشگاهها و دستگیری  
فعالین دانشجویی، سرکوب  
اعتراضات زنان و سلب  
ابتدایی ترین حقوق  
اجتماعی آنان بر مبنای قوانین  
اسلامی، حجاب اجباری و  
سنگسار، لشکر کشی  
سراسری به کردستان و  
کشتار مردم آنجا، استفاده از  
موقعیت جنگ با عراق در  
سرکوب اعتراضات اجتماعی،  
بگیر و به بند، دستگیری،  
شکنجه، زندان و اعدام  
هزاران نفر از فعالین کارگری  
، کمونیست و آزادیخواه،  
تبعید و ترور مخالفین در

نسبت زنان شاغل به کل شاغلین زن و مرد	درصد زنان شاغل بین 15 تا 64 سال	
نام کشور	درصد %	درصد %
اتریش	44	59
بلژیک	41	48
آلمان	43	56
دانمارک	46	70
اسپانیا	35	35
فرانسه	45	53
انگلستان	44	63
یونان	37	40
ایتالیا	38	37
ایرلند	39	45
لوکزامبورگ	38	46
هلند	42	59
پرتغال	45	58
فنلاند	48	61
سوئد	47	66
میانگین کل کشورهای اتحادیه اروپا	42	51

## مقایسه اشتغال زنان در اتحادیه اروپا با ایران

### نیلوفر آشتی

نابرابری جنسیتی و ستم بر زنان در ایران، امری است که بر هیچ کس پوشیده نیست. ستم جنسی و خشونت علیه زنان ابعاد گسترده و گوناگونی دارد. خانه نشین کردن زنان یکی از جلوه های ستم بر آنان است. نگاهی به وضعیت اشتغال زنان، وضعیت ناگوار و تناقض آمیزی را نمایان می سازد. از سویی میزان تحصیلات در میان دختران به شدت بالا رفته و از سوی دیگر بیش از 88 درصد دختران تحصیل کرده بیکار<sup>1</sup> هستند.

تلاش دختران جوان برای راه یابی به دانشگاه، نگرانی برای مسنولین کشور آفریده است. حسین رحیمی، رئیس سازمان سنجش کشور، در مصاحبه ای با روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ 1383/10/27 پذیرش بالای دختران در رشته های دانشگاهی را همچون "زنگ خطر"ی می نامد که باید برای آن فکری کرد. از دیدگاه ایشان چون زنان پس از تحصیل کمتر به بازار کار روی می آورند، در واقع دولت "هرز سرمایه" می کند!

موانع راه یافتن زنان به بازار کار در ایران بسیار متنوع و پیچیده است و خود بحثی جداگانه می طلبد. در این نوشته تلاش می شود تا میزان اشتغال زنان در اتحادیه اروپا با ایران مقایسه شود. در بخش اول میزان اشتغال زنان در اتحادیه اروپا و دیگر فعالیت های اجتماعی آنان در این اتحادیه نشان داده می شود و در بخش بعدی به وضعیت اشتغال زنان در ایران با توجه به آمارهای رسمی پرداخته می شود.

### 1- درصد اشتغال به کار زنان در اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در 1 ژانویه سال 1999، 375 میلیون نفر جمعیت داشت و در سال 2004 با ورود کشورهای دیگر به اتحادیه اروپا این رقم به 446.6 میلیون نفر رسید.

جمعیت زنان در سال 1999 در اتحادیه اروپا (EU 15) کمی بیش از جمعیت مردان بود: آنان 51.5 درصد جمعیت کشورهای عضو اتحادیه اروپا را تشکیل می دادند. در همین سال 42% از کل شاغلین اتحادیه اروپا، زن بودند.

جدول زیر نسبت کارکنان زن به کل کارکنان هرکشور را نشان می دهد؛ در سمت چپ جدول نیز نسبت زنان بین 15 تا 64 سال آماده به کار، در میان مجموع زنان هر کشور دیده می شود. برای نمونه در دانمارک 70% زنان دانمارکی شاغل هستند، اما این رقم 46% کل کارکنان دانمارکی را دربر می گیرد:

در فاصله سال های 1999 تا 2002 تغییراتی در این درصدها صورت گرفته است.

در جدول زیر این تغییرات نشان داده می شود. در این جدول وضعیت کل شاغلین در برخی از کشورهای تازه وارد به اتحادیه اروپا نشان داده می شود و در پایین آنها، نسبت شاغلین در اتحادیه اروپا و اتحادیه اروپا 25 نشان داده می شود.<sup>2</sup>

نسبت شاغلین 15 تا 64 سال در سال 2002 به نسبت کل جمعیت (به درصد)			
جمع	مردان	زنان	
قبرس	81,0	61,7	71,0
جمهوری چک	78,7	62,8	70,7
استونی	74,6	64,4	69,3
مجارستان	67,7	52,9	60,1
لتونی	73,6	65,8	69,6
لیتوانی	74,1	63,9	68,8
مالت	-	-	-
لهستان	70,6	58,7	64,6
اسلوانیا	72,5	63,0	67,8
اسلواکی	76,7	63,9	69,9
EU 15	78,4	60,9	69,7
EU 25	77,4	63,2	69,0

جدول بالا نشان می دهد که از سال 1999 تا سال 2002 زنان بیشتری در اتحادیه اروپا به کار مشغول شده اند یعنی در سال

این رقم، نزدیک به % 11.3 کل زنان آماده به کار در ایران است.

پیش از پرداختن به وضعیت شغلی زنان در ایران، نکته ای را باید یادآوری کرد. مرکز آمار ایران "کار" را چنین تعریف کرده است: "اگر فعالیتی برای کسب درآمد صورت گرفته باشد، کار نامیده می شود". بنا به این تعریف کار خانگی زنان و به ویژه کار زنان روستایی در عرصه کشاورزی و دامداری نادیده گرفته می شود. ژاله شادی طلب در این زمینه نتیجه تحقیقات مرکز مطالعات و برنامه ریزی و اقتصادی کشاورزی (وزارت کشاورزی) را می آورد:

طبق این تحقیقات زنان در استان هایی مانند بوشهر و هرمزگان 50 درصد نیروی کاشت، 60 درصد نیروی داشت و 65 درصد نیروی برداشت را تامین می کنند. همچنین زنان در استان های گیلان و مازندران در بخش دامداری 50 درصد و در کردستان، کرمانشاه و ایلام حدود 63 درصد نیروی کار را تامین می کنند. با این حال در آمار رسمی کشور، وجود این زنان به عنوان نیروی کار، نادیده گرفته می شود.

## 2-2- تعداد کارکنان دولت

در ایران تعداد زنانی که تابع قانون استخدام کشوری هستند، تقریباً نصف مردان گزارش شده است، اما تعداد زنانی که تابع قانون کار می باشند، بسیار کمتر از مردان است. برای نمونه در سال 1380 تعداد زنان تابع قانون کار 13620 نفر بود در برابر آنها تعداد مردان 101712 نفر بود.

در جدول زیر نسبت زنان و مردان از سال 1370 تا سال 1380 بر حسب قوانین استخدامی کشور و قانون کار نشان داده می شود:

تعداد کارکنان دولت بر حسب قوانین و مقررات استخدامی و جنس سال 80 - 1370

شرح	تابع قانون استخدام کشوری و سایر مقررات استخدامی (1)			تابع قانون کار			جمع
	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	
1370	1160116	514820	329697	319558	10139	جمع	
1370	1783114(2)	1160116	514820	319558	10139	2112811	
1372(3)	1992677(2)	1382008	856204	206188	...	2198865	
1374(3)	1955083	1338109	616974	205336	14387	2160419	
1376	2129448	1454025	675423	230872	12998	2360320	
1378	2141454	1466971	674483	111171	8647	2252625	
1380	221330	1512855	700448	115332	101712	2328635	

ماخذ: سالنامه آماری کشور

مجموع اعداد و ارقام بالا وضعیت نابرابر اشتغال به کار زنان در ایران نسبت به اروپا را بیان می کند. در حالی که در کشوری مانند دانمارک در سال 1999 حدود 70% زنان شاغل بودند این میزان در ایران در سال 1375 نزدیک به 11% بود.

میزان مشارکت زنان در پست های مدیریتی بسیار ناچیزتر است.

بقیه در صفحه ۱۲

## مقایسه اشتغال زنان در ...

1999 این نسبت % 51 زنان را در بر می گرفت اما در سال 2002 % 60.9 زنان این کشورها، شاغل بوده اند.

### 1-1 نوع کار زنان در اتحادیه اروپا

در فاصله سال های 1994 تا 1997 در اتحادیه اروپا حدود 2/4 میلیون نفر به کسانی که کار پاره وقت می کردند، افزوده گشت. این رقم بیش از ده درصد افزایش را نشان می داد. 80 درصد شاغلین به کار پاره وقت در اروپا را زنان تشکیل می دهند. در اتحادیه اروپا در سال 2000 مجموعاً 33% کل زنان شاغل، کار پاره وقت می کردند. در این میان هلند با 68% بالاترین رقم را دارد و انگلستان با 45% و سوئد با 39% پس از این کشور قرار می گیرند.

در اتحادیه اروپا درصد شاغل بودن زنان بین 25 تا 49 ساله ای که دارای حداقل یک فرزند بین 0 تا 5 سال هستند، نسبت به زنان هم سن اما بدون فرزند، کمتر است یعنی 53% زنان دارای یک فرزند و 67% زنان بی فرزند شاغل هستند.

بیشتر زنان در اروپا در هر کجای آن که باشند، در کارهای خدمات همگانی مشغول به کار هستند؛ صنعت در جایگاه دوم و کشاورزی در جایگاه سوم قرار می گیرد:

80.2%

16.0%

3.8%

کارهای خدمات همگانی:

صنعت:

کشاورزی:

در اتحادیه اروپا تا سال 2000 در مجموع 6% زنان شاغل در پست های بالای مدیریتی مشغول به کار بودند این نسبت برای مردان 10% بود.

### 1-2 نسبت بیکاری زنان اتحادیه اروپا به مردان:

در سال 1998 در همه کشورهای عضو اتحادیه به طور میانگین 11.7% زنان بیکار بودند، نسبت بیکاری مردان در همان سال 8.6% بود.

### 2- وضعیت شغلی زنان در ایران

#### 1-2 جمعیت زنان ایران

بر اساس سرشماری مرکز آمار ایران، جمعیت ایران در آبان ماه سال 1375 (1996) 60.055.488 میلیون نفر برآورد شد که از این تعداد 30.515.159 میلیون نفر مرد و 29.540.329 نفر زن بودند. از این تعداد زن در ایران، 56.1% بین 15 تا 64 سال و آماده به کار بودند. در آبان ماه همان سال (1375) تعداد زنان شاغل، 1.765.402 نفر برآورد شد.

## مقایسه اشتغال زنان در ...

### اعدام زندانیان سیاسی را بشدت محکوم کنیم!

نمونه بارز آن در وزارت امور خارجه است که در برابر 343 مرد تنها 4 زن در پست مدیریت مشغول به کار هستند!

اما گویا تعداد فزاینده دختران دانشجو و تخصص‌هایی که بدست می‌آورند، قرار است این معادلات را بر هم بزنند. به این دلیل نگرانی رئیس سازمان سنجش کشور چندان بی‌راه نیست. هراس ایشان از افزایش زنان متخصصی است که در حال تحمیل خود به بازار مردانه کار هستند. در حالی که اکنون در پست‌های مدیریتی وزارت کشاورزی فقط 149 زن در برابر 10005 مدیر مرد حضور دارند، حسین رحیمی خبر از پذیرفته شدن 80 درصدی دختران در رشته‌هایی مانند کشاورزی می‌دهد. بر اساس این وضعیت در آینده نه چندان دور باید تعداد متخصصین زن چند برابر مردان باشد. جامعه ایران در برابر این زنان متخصص چه واکنشی خواهد داشت؟ آیا می‌توان این نیرو را همچنان در خانه حبس کرد؟

کارگران و مردم آزاده ایران و کردستان، رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی اسماعیل محمدی کارگر زحمتکش و محمد پنجوینی را در سیاه چالهای خود اعدام کرده است.

بنا به خبرهای تایید شده از شهر مهاباد، صبح روز ۱۳ شهریورماه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ۲ زندانی سیاسی کرد با اسمی اسماعیل محمدی متهم به همکاری با سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران و محمد پنجوینی متهم به عضویت در یک گروه سیاسی با نام ناگری سور را اعدام نموده است.

اسماعیل محمدی کارگر زحمتکش و دارای همسر و ۵ فرزند بوده و از سال ۱۳۸۲ در زندانهای رژیم به سر می‌برد. این اقدامات جنایتکارانه و ضد انسانی در حالی صورت می‌گیرد که تنها یک ماه از به خاک و خون کشیدن مبارزات آرام و حق طلبانه شهرهای کردستان می‌گذرد.

انجمن کارگری جمال چراغ ویسی ضمن محکومیت شدید این اقدام وحشیانه و جنایتکارانه، صمیمانه به خانواده، بستگان و دوستان اسماعیل محمدی و محمد پنجوینی تسلیت گفته و خود را شریک غم آنها می‌دانیم، همچنین تمامی تشکل‌های کارگری، انسانیها، گروهها و نهادهای انقلابی و آزادیخواه را برای محکومیت و محاکمه عاملان و مسببان این جنایت فرا می‌خوانیم.\*

انجمن کارگری جمال چراغ ویسی

۶۱۹۱۲۰۰۵

[www.akjamal.com](http://www.akjamal.com)

[ajoman\\_kargrijamal@y](mailto:ajoman_kargrijamal@y)

[aahoo.com](http://aahoo.com)

البته این کل مسئله نیست. نرخ بالای بیکاری صرفاً به جامعه زنانه مربوط نمی‌شود بلکه دامنه آن مردان را نیز در بر گرفته است. اضافه بر این پایین بودن میزان دستمزدها، ساعت کار بالا، توزیع ناعادلانه ثروت، نبود امنیت شغلی و بیمه‌های بیکاری، رانت خواری و ... از دیگر مشکلات کارگران و کارکنان است. در مورد زنان با فرض این که به بازار کار نیز راه یابند علاوه بر درگیر شدن با مشکلات نامبرده باید اعمال ستم جنسی از جانب جامعه مردسالار را نیز افزود؛ ستمی که تمام عرصه‌های زندگی آنان از خصوصی ترین مسائل تا عرصه عمومی و قانونی را نیز در برمی‌گیرد.

برای گذر از این وضعیت ناهمگون و برای حل همه این مشکلات، جامعه ایران چاره‌ای غیر از یافتن راه‌کارهایی بسیار اساسی‌تر، از آن گونه که کل ساختار اقتصادی و سیاسی بیمار کشور را به چالش بطلید، ندارد. بی‌شک تنها با ایجاد تغییرات بسیار بنیادین است که می‌توان بر تناقضات موجود غلبه یافت.

توضیحات:

1- روزنامه اعتماد در تاریخ 1383/10/27 به نقل از لادن نوروزی، کارشناس ارشد سازمان مدیریت و برنامه ریزی، سهم زنان بیکار دارای تحصیلات متوسطه و عالی از کل زنان را 88/7 اعلام کرد.

2- اتحادیه اروپا 25 دارای 15 کشور نامبرده به اضافه کشورهای: استونی، لتونی، لیتوانی، مالتا، لهستان، اسلواکی، اسلونیوا، چک، مجارستان و قبرس است.

منابع:

1-Eurostat, Statistik kurzgefasst, Bevölkerung und soziale Bedingungen, Arbeitskräfteerhebung 1999 (11) In:Frauen in Europa Presse – und Informationsamt der Bundesregierung Europäische Kommission

2-Eurostat, Beschreibung der sozialen Lage in Europa 2000 Europäische Kommission

3-Kommission der europäischen Gemeinschaften Brüssel, den 6.11.2003, Kom (2003) 663 endgültig

4- توسعه و چالش‌های زنان ایران از دکتر ژاله شادی طلب، نشر قطره، چاپ اول 1381

5- سایت اینترنتی [www.iranwomen.org](http://www.iranwomen.org)

6- روزنامه اعتماد تاریخ 1383/10/27

\*\*\*

# جنایت در کردستان

## نامه دبیر کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری در مورد دستگیری برهان دیوارگر

شماره 98-21-6648.06.65

آقای محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور  
۱۹ اوت ۲۰۰۵

**در مورد دستگیری آقای برهان دیوارگر**

آقای رئیس جمهور

ماه گذشته به نمایندگی از کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری (ICFTU)، که بیش از ۱۴۵ میلیون کارگر را از طریق ۲۳۴ اتحادیه در ۱۵۴ کشور در بر میگیرد، در نامه ای به رئیس جمهور سابق اعتراض خود را به رفتار ضد اتحادیه ای در ایران نوشتم. امروز باید به شما بر علیه دستگیری برهان دیوارگر و محمود صالحی اعتراض کنم.

کنفدراسیون ICFTU مطلع شده است که ساعت ۲ صبح روز ۷ اوت نیروهای امنیتی ایران به منزل آقای برهان دیوارگر، عضو سندیکای کارگران خباز سقز، یورش برده و آقای دیوارگر را دستگیر و کامپیوتر و وسایل دیگر او را تصرف کرده اند. از اتهامات دیگر او منجمله عضویت در "کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری"، عضویت در تشکل تازه تاسیس کارگران بیکار، اداره یک سایت کارگری در ایران به نام تشکل (www.tashakol.com)، و شرکت در تظاهرات اخیر در شهر سقز است.

محمود صالحی روز ۴ اوت به اتهام شرکت در تظاهرات شهر سقز به مدت یک ساعت دستگیر شد. به او قبل از آزادی در مورد شرکت ایشان در هر نوع تظاهرات و اعتصابی در شهر سقز هشدار داده شد. کنفدراسیون، این دستگیری را در رابطه با آزار مجدد و بیشتر آقای محمود صالحی بخاطر فعالیتهای مستقل اتحادیه ای او می بیند.

طبق اطلاعات من، در حال حاضر که این نامه را مینویسم، برهان دیوارگر کماکان در بازداشت به سر میبرد. همچنین مطلع هستم که همسر ایشان فقط توانسته وی را مدت کوتاهی ملاقات کند و در آنجا متوجه علانم

اذیت و آزار جسمی [شکنجه] در صورت ایشان می شود.

همچنین گزارشات رسیده حاکی است که او احیاناً چنان مورد اذیت و آزار جسمی قرار گرفته که به سختی قادر به صحبت کردن است.

عضویت در سازمانها و اتحادیه های کارگری که از اتهامات وارد شده به آقای دیوارگر است طبق قوانین بین المللی کاملاً قانونی است و نمیتواند به هیچ عنوان جرم شناخته شود.

به دلیل عضویت ایران در سازمان جهانی کار (ای ال او) حکومت شما موظف به رعایت آزادی تشکل و از اینرو حق متشکل شدن است.

از اینرو کنفدراسیون مصرانه از شما می خواهد که اقدامات ضروری برای تضمین آزادی فوری برهان دیوارگر و رفع تمام اتهامات وارده به ایشان را انجام دهید.

همچنین طبق توصیه کمیته آزادی تشکل (CFA) در ای ال او، من مصرانه از شما خواهان رفع اتهامات وارده به وی و شش کارگر دیگر، در ارتباط با برگزاری اول ماه مه در شهر سقز در سال ۲۰۰۴، هستم.

کنفدراسیون به دقت رعایت حقوق پایه ای کارگری و حقوق بشر در ایران را تعقیب کرده و در آینده نیز خواهد کرد. با این وجود، من اطمینان دارم دولت جدید استانداردهای پایه ای حقوق کارگری را زیر پا نخواهد گذاشت.

منتظر اقدامات فوری و قاطع شما برای تضمین آزادی برهان دیوارگر هستم.

با احترام

دبیر اول کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری

\*\*\*

اعدام اسماعیل محمدی و محمد پنجوینی تنها از به قدرت رسیدن آدمکشان جلو صحنه رژیم اسلا می مایه نمی گیرد. از نظر آدمکشان رژیم اسلامی، این اعدامها قرار است مردم کردستان را که طی چند هفته گذشته در اعتراض به شکنجه و قتل شوانه قادری اعتراضات وسیعی را سازمان دادند تنبیه کند. این اعدامها مردمی را میتواند مرعوب کند که برای اولین بار دستگیری و اعدام داده باشند نه مردم کردستان را. اگر وحشیگری و آدمکشی اسلامیون حاکم علیه مردم کردستان موثر بود از نوروز ۱۳۵۸ سندانج تاکنون باید نتیجه میداد. مردم کردستان هیچگاه رژیم اسلامی را نپذیرفتند و از همان ابتدا علیه این آدمکشان مبارزه کرده اند و وحشیگریهای اسلامیون حاکم فقط عزم آنها را در مبارزه علیه حاکمیت اسلامی استوار تر کرده است.

این اعدامها اگر درسی داشته باشد فقط برای آن بخش از نسل جوان مردم کردستان است که تحت تاثیر فضای سیاسی یک دهه اخیر قرار داشتند و خودشان مستقیماً شاهد آدمکشی رژیم اسلامی در کردستان و به عنوان نمونه اعدام ۵۹ نفر در ۱۲ خرداد سال در مهلباد و در زمان جلایی پور نبودند. این آدمکشی ها فقط حقانیت راه حلهای انقلابی نسل قبلی انقلابیون کردستان را به اثبات میرساند و زمینه را برای تبلیغات به نفع راه حل های «مسالمت جویانه» و علیه نیروها و راه حل های انقلابی را محدود می کند.

به پیش!

شهریور ۱۳۸۴

\*\*\*

این خلاصه شده از یک شعر بلند است، که کامل آنرا شما می توانید در کتابی که در ادامه این خلاصه معرفی شده است، پیدا کنید

## سوسیال دموکراسی زمانش

## دستان ما و دروغ

ناظم حکمت

آنها معتقدند که حزب چپ تفاوتی با احزاب مسلط ندارد و نهادهای اعتراضی شکل گرفته در جامعه باید خود را بعنوان نیروی خارج از پارلمان سازمان داده و بر علیه احزاب حاکم و نیز بر علیه این باصطلاح حزب چپ مردم و بیکاران را بسیج نموده و با اعتراضات خیابانی سیاست نئو لیبرالی حاکم را به چالش بکشند.

با يك نگاه مختصر به صحنه سیاسی آلمان روشن میشود که آن ایده قدرتمندی که این جامعه به آن نیاز دارد، بر خلاف شعاری که زیر عکسهای بزرگ لافوتن نوشته شده یعنی «هیچ چیز قدرتمندتر از ایده انی نیست که زمانش رسیده باشد»، ایده سوسیالیسمی است که بر این حقیقت ساده تکیه دارد که بهبود وضعیت زندگی اکثریت مردم آلمان با افزایش سود صاحبان سرمایه و رونق سرمایه داری نه فقط ملازمه ای ندارد بلکه در تضاد است. اگر زمان این ایده در آلمان هنوز نرسیده است دقیقا به این سبب است که توهامات سوسیال دموکراسی در مورد همگرانی منافع کار و سرمایه هنوز در طبقه کارگر آلمان نفوذ معتابهی دارد. چرخش حزب سوسیال دموکراسی می توانست فرصتی برای جارو کردن بقایای این توهامات در میان طبقه کارگر باشد؛ اما به نظر میرسد حزب چپ درست وارونه این وظیفه را انتخاب کرده است.\*

دستان زُخت سنگی شما  
غمین چون آوازهای زندان  
سنگین و لُخت چون حیوانات بارکش  
دستان شما، چهره اندوهناک کودکان گرسنه ای را ماند!  
دستان سبک شما، زرنگ چون زنبور عسل  
پر بار چون پستان شیر ده  
پر حرارت و شکبیا چون طبیعت  
دستان شما که زیر پوست سخت خود عاطفه و دوستی نهفته دارند.  
سیاره ما نه بر شاخ گاو  
بر دستان شما استوار است.  
آه انسانها، انسانهای ما  
شما را با دروغ می پروراندند  
حال که گرسنگی تان را نان و گوشت باید.  
شما این دنیای شاخه های سنگین از میوه را ترک می کنید  
بی آن که یک بار بر سفره ای سفید غذا خورده باشید  
آه انسانها، انسانهای ما  
...

آه انسانها، انسانهای ما،  
اگر آنتنها دروغ می گویند،  
اگر غلطک های چاپ دروغ می گویند،  
اگر کتابها دروغ می گویند،  
اگر آفیش و آگهی نصب شده بر ستون دروغ می گویند،  
اگر رانهای لُخت دختران بر پرده دروغ می گویند،  
اگر نماز دروغ می گوید،

اگر همه مردم و همه چیز، جز دستان شما، دروغ می گویند،  
برای این است که دستانتان همچون خاک رُس رام و شکل پذیر،

همچون تاریکی کور،  
و همچون سگ چوپان احمق باشند  
و برای این که دستانتان شورش نکنند  
و بدین ستمکاری پایان ندهند،  
بدین سلطه ناپکاران،  
در این دنیایی که مرگ چشم به راه ماست  
در این دنیایی که زیستن می توانست چه زیبا باشد.

۱۹۴۹

از مجموعه «در شب برفی و شعرهای دیگر»، ناظم حکمت، ترجمه فرانسوی، گالیمار،  
۱۹۹۹، ص ۹۷-۹۵

مترجم یحیی سمندر ویراستار بهروز فرهیخته

## سوسیال دموکراسی زمانش ♦♦♦

واقعیت این است که با گرایش به راست حزب سوسیال دموکرات و دور شدن از ریشه های سنت سوسیال دموکراسی، چه در درون خود حزب و چه در میان اتحادیه های قوی آلمان که سنتا به سوسیال دموکراتها نزدیک بودند، جریانی شکل گرفت که خواهان ادامه راه و روش گذشته بود. همچنین در زمینه نارسایی شدید افشار مزدبگیر شرق آلمان، که در برخی نقاط تا ۷۰-۶۰ درصد کار خود را از دست داده بودند، زمینه اجتماعی این چپ تقویت شد. در غرب آلمان این جریان رفته رفته تبدیل به تشکلی شد که خود را «آلترناتیو انتخاباتی برای کار و عدالت اجتماعی» (wasg) نامید.

استخوان بندی اصلی این جریان عمدتاً از فعالین اتحادیه انی که از سیاست حاکم بر رهبری اتحادیه ها ناراضی اند، اعضاء و کادرهای جدا شده از سوسیال دموکراتها و نیز تعدادی از فعالین چپ و منفرد تشکیل می شود. از سوی دیگر حزب سوسیالیست دموکراتیک (پ. د. اس) که جانشین حزب حاکم آلمان شرقی سابق شده بود، در این چند ساله بعد از فروپاشی آلمان شرقی و بر زمینة نارضایتی مردم شرق آلمان توانست در برخی ایالات شرقی اکثریت را کسب کرده و حتی وارد ائتلافهای حکومت های ایالاتی شود. این حزب

که ابتدا با شعارهای عدالت اجتماعی و کار، با تکیه بر نوستالژی گذشته مردم آلمان شرقی، به میدان آمده بود روز به روز به سیاستهای رفرمیستی نزدیک تر شده و گرایشات ارتدکس را از رهبری و ارگانهای اصلی دور نموده و با غلبه سیاستهای راست و سوسیال دموکراتیک بر آن، در عمل تفاوت چندانی با احزاب حاکم ندارد.

با بالا گرفتن نارضایتی اکثریت مردم آلمان از طرحهای دولت حاکم و اعلام انتخابات پیش رس، به یکباره تحرکی در جبهه چپ صورت گرفت و رفته رفته جریانی شکل گرفت که خود را «حزب چپ» نامید. هسته اصلی این حزب چپ از یک سو فعالین ناراضی اتحادیه ها، سرخورده گان سوسیال دموکرات، فعالین اتک یعنی جنبش ضد جهانی شدن و بسیاری از باقی مانده گان گروه های چپ بودند که در (و آ اس گ) متشکل شده بودند.

سرانجام با مباحثات زیادی با حزب متشکل شرق آلمان یعنی حزب سوسیالیست دموکراتیک (پ د اس) به توافق رسیدند که با نام جدید «حزب چپ» و کاندیداهای مشترک در انتخابات آتی شرکت نمایند.

نگاهی به برنامه این حزب جدید روشن می دارد که دیدگاه کینزی گرای آنها برای ایجاد مدل تقسیم مجدد ثروت در جامعه حداکثر به دهه های ۸۰ و ۹۰، که حزب سوسیال دموکرات و کلا احزاب "چپ" رسمی در آلمان این دیدگاه را در حرف داشتند و دولت های ملی میتوانستند قدرت رقابت داشته باشند، تعلق دارد. بعبارت دیگر میتوان گفت

هدف نهایی این جریان ایجاد یک قدرت اقتصادی ملی در دنیای گلوبالیزه شده میباشد که زمان آن به سر رسیده است.

نماینده گان اصلی این حزب جدید پنهان نمی کنند که میخواهند همان اهداف احزاب قبلی را که بآن تعلق داشتند پیش ببرند. برای مثال اسکار لافونتن، دبیر کل سابق حزب سوسیال دموکرات و کاندیدی اصلی حزب چپ، اهداف این جریان را چنین جمع بندی می کند: "ما در اقتصاد و سیاست اجتماعی همان اهدافی را دنبال می کنیم که نه تنها برنامه قدیمی حزب سوسیال دموکرات است بلکه در قسمت اعظم با پیشنهادات اتحادیه های کارگری آلمان تکمیل شده است."

نگاهی به جزئیات برنامه و مطالبات حزب چپ نشان می دهد که این جریان بهیچ وجه در پی ایجاد هژمونی چپ در جامعه و یا تشدید بحران اجتماعی نیست، بلکه بیشتر به دنبال تثبیت وضع موجود میباشد. برنامه حکومتی این حزب عبارت است از مخلوطی از بهبود شرایط سرمایه گذاری و بازار، پروژه های کینزیایی چپ برای سرمایه گذاری برای آینده، یک حداقل حقوق در حدود ۱۰۰۰ یوور در ماه، افزایش حق بیمه بیکاری از ۳۶۰ یوور به ۴۰۰ یوور در ماه و ...

از طرف دیگر این حزب طیف گوناگونی از نظریات را در بر می گیرد: از کسانی که معتقدند "چپ ها باید به جای اینکه علیه دولت - ملت خودی باشند، علیه انحصارات چند ملیتی و بانکها مبارزه کنند"، تا عده ای که می گویند باید بورژوازی متوسط را تقویت

## به پیش!

کرد و نیز یک فراكسیون «ضد امپریالیستی» که حتی با عملیات انتحاری فلسطینی ها علیه اسرائیل همدردی می کند و یا غیر مستقیم از عملیات تروریستی در عراق علیه آمریکا حمایت نموده و حتی تعدادی از آنها برای آزادی میلوسوویچ، رئیس دولت سابق یوگسلاوی که متعاقب حمله هوایی ناتو به یوگسلاوی قدرتهای غربی خواهان تحویل دادن او به دادگاه لاهه و محاکمه اش شدند و هم اکنون مدت پنج شش سال است که در لاهه محاکمه اش جریان دارد، امضاء جمع می کنند! بطور خلاصه باید گفت که سیاست اقتصادی این حزب چپ چیزی بیشتر از جهت گیری افزایش تقاضای داخلی نیست که همراه با گرایشاتی از تمایلات ضد جنگ و ضد امریکانی، کینزیانیسم چپ، سوسیال دموکراسی سنتی و طرفداران برقراری مالیات بر بازار بورس (مالیات توبین) طیف رنگارنگی را بوجود می آورند که بهیچوجه نمیتوان به آن نام حزب اطلاق کرد. منتقدین این جریان به غیر از طیف راست و میانه، رهبری (اس . پ . د . و) رهبری اتحادیه ها، که آنها را متهم به عوام فریبی می کنند و حتی نخست وزیر ایالت بایرن با توجه به احتمال پیروزی (چپ ها) در شرق آلمان مردم این ناحیه را به گوساله هایی تشبیه کرده که قصاب خود را خود انتخاب می کنند، بخش هایی از گرایشات چپ آلمان، گروه های حاشیه ای و روشنفکران با گرایشات چپ می باشند. مهمترین انتقاد این گرایش به حزب چپ، به انحراف کشاندن اعتراضات مردم و کانالیزه کردن آن به مجراهای پارلمانتاریستی است.

## سوسیال دموکراسی زمانش در آلمان به سر می آید

رضا پایا

فضای سیاسی آلمان این روزها پر است از بحث‌ها و مواضع سیاسی احزاب رنگارنگ و آماده شدن برای انتخابات زود رس آلمان.

انتخابات پارلمان آلمان که قرار بود در سال ۲۰۰۶ برگزار شود اما به دنبال شکست‌های پیاپی احزاب مؤتلف حاکم (حزب سوسیال دموکرات و سبزها) در انتخابات ایالات و پس از شکست سنگین حزب سوسیال دموکرات در ایالت نورد راین وستفالن، که سوسیال دموکرات‌ها بعد از چهل سال دولت محلی را به رقیب محافظه کارشان (حزب دموکرات مسیحی) واگذار کردند، یک سال به جلو افتاد و در ماه سپتامبر امسال برگزار خواهد شد. از آنجا که دولت حق انحلال پارلمان و اعلام انتخابات زود رس را ندارد و پارلمان آلمان (بوندستاگ) بر طبق قانون اساسی نمیتواند خود را منحل کند، گرهارد شرودر، صدراعظم آلمان دست به یک بازی سیاسی ماهرانه زد و با گرفتن رأی عدم اعتماد

ساختگی از حزب خود و شرکایش در دولت و استقبال اپوزیسیون، زمینه انحلال پارلمان و انتخابات مجدد را فراهم کرد که بحث‌های زیادی در جامعه آلمان برانگیخت و حتی کار به شکایت به دادگاه حافظ قانون اساسی آلمان کشید.

باین ترتیب شرودر تصمیم گرفت با یک پوکر سیاسی و پیروزی احتمالی در انتخابات و با دست بازتری طرح‌های نئولیبرالی خویش بنام «دستور کار ۲۰۱۰» (Agenda2010) را که زیر پای تضمین‌های اجتماعی - حقوق بیمه بیکاری - بازنشستگی - بهداشت و بیمه درمان عمومی - آموزش و پرورش و تحصیلات رایگان و غیره را خالی کرده و شرایط اجتماعی انگلستان تحت حاکمیت نئولیبرسم را در آلمان پیاده خواهد کرد، به پیش ببرد. این طرح‌های نئولیبرالی که در هسته اصلی اش مورد موافقت احزاب راست اپوزیسیون میباشد و با موافقت ضمنی آنها تاکنون بدرجه ای به مورد اجرا گذاشته شده اند، با مخالفت وسیعی از سوی مزد و حقوق بگیران، بیکاران،

بازنشستگان و خلاصه تمام اقشار پائین جامعه روبرو شده است. و بخصوص در شرق آلمان با اعتراضات و تظاهرات وسیعی علیه یکسان کردن بیمه بیکاری با مقرری تامین اجتماعی، که عملاً درآمد بیست تا سی درصد از اهالی را به کمتر از نصف تقلیل می دهد، روبرو شده است. و همین نارضایتی‌ها بود که منجر به شکست احزاب ائتلافی حاکم در تقریباً کلیه ایالات آلمان شد.

در این میان اپوزیسیون راست میانه (احزاب دموکرات مسیحی و لیبرال) با شعار «رشد اقتصادی بیشتر بیکاری کمتر» ضمن اینکه پنهان نمی کنند که طرح‌های رفرف اقتصادی را قاطعانه تر به پیش برده و حتی مالیات‌های غیر مستقیم را افزایش خواهند داد ولی با وعده بهبود اقتصادی و نمایاندن سراب اقتصاد شکوفای آلمان در دهه های ۶۰ و ۷۰ که در حاکمیت بوده اند، مردم را به حمایت از خود فرا می خوانند. آنها احزاب حاکم (موسوم به ائتلاف سبز و سرخ) را متهم به ورشکستگی اقتصادی آلمان و عامل بوجود آورنده ۵ میلیون بیکار قلمداد می کنند و وعده می دهند که مالیات شرکت‌های بزرگ و کوچک را کاهش داده و سرمایه گذاری را جذاب تر خواهند کرد و آتوقت کار تولید خواهد شد و بیکاری

کاهش خواهد یافت!

ترسیم همین چشم انداز عوام فریبانه سرمایه بزرگ به قدری زمینه دارد که هیچ بعید نیست اکثریت رأی دهندگان باین فکر بیافتند که با قرباتی کردن حال خودشان، باصطلاح آینده را تضمین کنند؛ که تاکنون نظرسنجی‌ها اینطور نشان می دهند.

اما اگر مسئله بهمین جا ختم می شد، شاید انتخابات پیش روی آلمان هم یکی از مبارزات پارلمانی بود که هر چهار سال یکبار در این گونه کشورها برگزار می شود، و یکی از احزاب بزرگ با ائتلاف با یک حزب کوچکتر دولت تشکیل می داد و بعد از یکی دو دوره جایشان را به احزاب رقیب می سپردند؛ اما آن چیزی که این انتخابات را از دوره قبلی متمایز کرده سربرآوردن نیرویی است که تاکنون در صحنه سیاسی آلمان حضور چندانی نداشت و از سوی احزاب مسلط جدی گرفته نمی شد. این جریان که اخیراً تحت نام «حزب چپ» خود را متشکل کرده و بر طبق نظرسنجی‌ها بین دوازده تا پانزده درصد آرا را بخود اختصاص خواهد داد، موجب وحشت تمام احزاب حاکم و اپوزیسیون راست و میانه شده است.

بقیه در صفحه ۱۵

آدرسهای تماس مستقیم

با

اتحاد سوسیالیستی کارگری:

wsu@home.se

shoramarkazi@yahoo.fr

wsu-t.xarej@home.se

0046-739-397-143

شورای مرکزی:

کمیته خارج:

تلفن:

به پیش! را مشترک شوید!

آدرس ای-میل خود را برای ما بفرستید تا به پیش! برایتان ارسال شود.

اگر مایلید نسخه چاپی به پیش! را دریافت

کنید، آدرس پستی خود را برای ما بفرستید.

نسخه چاپی به پیش! رایگان است و تنها

هزینه پست بعهده مشترکین است.